

مطالبه دیه فوت قربانیان حوادث رانندگی توسط وارث مقصر از محل بیمه نامه شخص ثالث

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۴/۱۷

عیسی قاسمی گرده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۰۴

چکیده

مطالبه دیه قربانیان حوادث رانندگی توسط مقصرین حادثه از شرکت‌های بیمه یکی از دعاوی بیمه‌ای است که به استناد بیمه‌نامه و قانون بیمه شخص ثالث در دادگاه‌ها مطرح می‌شود. مقصرین با توجه به جنبه حمایتی قانون بیمه شخص ثالث، اعتقاد دارند که گستره حمایتی این قانون هرگونه اختلاف حقوقی ناشی از حوادث رانندگی را دربرمی‌گیرد و بدون توجه به قواعد مسئولیت مدنی، قاعده اقدام و سایر مبانی مربوط قائل به استحقاق وارث مقصر در مطالبه خسارت از بیمه‌گر می‌باشند. ازسوی دیگر به نظر بیمه‌گران گرچه مبانی وضع قانون بیمه شخص ثالث ناشی از مصلحت عمومی است، اما با توجه به هدف مستقیم وضع این قانون که حمایت از اشخاص ثالث است و با توجه به جنبه قراردادی بیمه شخص ثالث و مجموعه نظام حاکم بر مسئولیت مدنی باید قائل به عدم امکان مطالبه توسط مقصر حادثه بود. هر کدام از طرفین با توسل به جنبه قراردادی و قانونی بیمه شخص ثالث در صدد دفاع از موضع خود می‌باشند که این مقاله ضمن بررسی نظرات، تلاش دارد مطابقت و مغایرت هریک را با قواعد حقوقی و مصالح اجتماعی بسنجد.

واژگان کلیدی: بیمه شخص ثالث، دیه، مالکیت فی‌الذمه، مسئولیت، مقصر

۱. مقدمه

مسئولیت مدنی در حقوق ایران تحت عناوین مختلف بررسی می‌شود که هرکدام نظام حقوقی خاص خود را دارد. برای نمونه قواعد حاکم بر اتلاف اموال در قانون مدنی، تقصیر مرتکب را در مسئولیت وی مؤثر نمی‌داند؛ در حالی که در چهارچوب قانون مسئولیت مدنی، صرفاً مقصر است که مسئول قلمداد می‌شود و باید جبران خسارت نماید. از طرفی در رویکرد قانون مجازات اسلامی در عین حال که تقصیر مقصر باعث مسئولیت در جبران خسارت است، در موارد استثنایی نیز همانند قواعد مربوط به عاقله از این اصل عدول شده است. در این میان مقررات قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث که از این پس از آن با عنوان قانون بیمه شخص ثالث یاد خواهیم کرد، قواعد نوینی را به سامانه حقوق مسئولیت مدنی افزوده است که در پی آن روابط و مسائل حقوقی تازه‌ای به وجود آمده که طرف‌های این رابطه بیمه‌گر، بیمه‌گذار و زیان‌دیده ثالث می‌باشند. مراجعه رانندگان مقصر در حوادث رانندگی به بیمه‌گران برای مطالبه دیه قربانیانی که در اثر تقصیر راننده کشته شده‌اند، یکی از مسائلی است که دادگاه‌ها و شرکت‌های بیمه با آن مواجه‌اند. عناصر تشکیل‌دهنده مناقشه مزبور عبارت‌اند از: بیمه‌نامه شخص ثالث به عنوان قرارداد بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر؛ تقصیر راننده در مرگ مورث خود به عنوان سبب ایجاد مسئولیت مدنی؛ مطالبه خسارت از بیمه‌گر توسط مقصر حادثه به عنوان ذینفع ثالث. بدیهی است هر یک از طرفین مناقشه مزبور با توسل به دو مسئولیت قهری و قراردادی از موضع خود دفاع می‌کنند که با بررسی نظرات و مبانی هر یک و با سنجش و مطابقت آنها با قواعد حقوقی و خرد اجتماعی می‌توان به میزان وجاهت و درستی آنها پی‌برد.

۲. انگیزه انتخاب موضوع و هدف تحقیق

مواردی که ضرورت پرداختن به موضوع و تبیین جایگاه بیمه‌نامه و قانون شخص ثالث و مقررات ارث و سایر مقررات مرتبط را مشخص می‌کند عبارت‌اند از:

دعاوی متعدد حقوقی طرح شده علیه شرکت‌های بیمه از طرف مقصرین حوادث رانندگی جهت گرفتن غرامت فوت قربانیانی که در اثر تقصیر خواهان، کشته شده‌اند؛ صدور آرای متعارض دادگاه‌ها با تکیه صرف بر اطلاعات کلی از قانون بیمه شخص ثالث؛ استنباط نابجا از احکام قانونی مرتبط با حوادث رانندگی و افراط در تأکید به نگاه حمایتی قانون مزبور تا جایی که امکان نقض غرض قانون‌گذار در حمایت از زیان‌دیدگان را فراهم می‌آورد؛ تسری احکام خاص و استثنایی به موارد مشابه که برخلاف اصول تفسیر و استنباط است؛ خلط مباحث مربوط به ارث و حقوق قراردادهای که هر یک در عرض یکدیگر از اسباب مالکیت می‌باشند.

هدف این مقاله، روشن نمودن جایگاه نظریه تقصیر در قانون بیمه شخص ثالث و بررسی قوانین مرتبط با حوادث رانندگی است و همچنین تأکید بر این امر که دادگاه‌ها حتی هنگام اعمال قوانین در جهت حمایت از افراد جامعه باید پایبند به اصول تفسیر و مبانی حقوقی باشند و موجبات نقض غرض قانون‌گذار را به وسیله حمایت از مقصرین حوادث رانندگی به وجود نیاورند.

۳. فرضیه‌ها

فرض نخست اینکه، تفسیر ماده ۸۸۰ قانون مدنی به نفع مدعی، در دعاوی که از سوی مقصر حادثه جهت گرفتن ديه متوفی علیه بیمه‌گر طرح می‌گردد، نابجا است. اگرچه ارث، قهری است، ولی در مواردی که مقصر حادثه ابتدا و بیمه‌گر متعاقباً مسئول پرداخت ديه است، مالکیت مافی‌الذمه به عنوان یکی از اسباب سقوط تعهد به وقوع پیوسته و زمینه و بستر اعمال مقررات ارث را از بین می‌برد. به عبارت دیگر در این مقاله درصدد آن هستیم که اثبات نماییم، مطابق اصول کلی و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی (اعم از مسئولیت قهری و قراردادی) در مواردی که خود قاتل، وارث متوفی است، اساساً ديه ارث محقق نشده است تا بتوان به استناد ماده ۸۸۰ قانون مدنی آن را تملک کرد.

فرضیه دوم این است که نظریه موافقین پرداخت دیه متوفی به مقصر حادثه، نه تنها غیر منصفانه است بلکه با روح قوانین حاکم بر مسئولیت مدنی از جمله قانون مسئولیت مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون بیمه شخص ثالث و سایر قوانین پراکنده در باب مسئولیت مدنی نیز مطابقت ندارد.

۴. روش تحقیق

این مقاله ضمن بررسی آرای هرچند محدود دادگاهها و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اخذ نظر بیمه‌گران و وکلای مدعیان تلاش دارد با یافتن تحلیلی درست از موضوع به راه‌حلی معقول و عادلانه جهت استفاده شرکت‌های بیمه و دادگاهها دست یابد. لذا ابتدا به بیان نظر مخالفان و موافقان و ارزیابی هرکدام از نظرها پرداخته و سپس مسائل مؤثر بر موضوع را بررسی کرده تا مغایرت یا مطابقت این ادعا - یعنی مطالبه دیه از بیمه‌گر توسط مقصر حادثه- با قواعد حقوقی، قانون بیمه شخص ثالث و مصالح اجتماعی مشخص گردد.

۵. مبانی مسئولیت مدنی و بیمه مسئولیت

۵-۱. نظریات حقوقی درباره مبانی مسئولیت مدنی

به‌طور سنتی مبانی مسئولیت مدنی بر دو نظریه استوار است: تقصیر و ریسک یا خطر (لوراسا، ۱۳۷۵). مبانی تقصیر در مواردی به‌کاربرده شده که قانون‌گذار جبران خسارت زیان‌دیده را مشروط و مقید به اثبات تقصیر و خطای مرتکب نموده است. یعنی در این نوع از مسئولیت، زیان‌دیده باید ارکان مسئولیت مدنی را اعم از ورود ضرر و رابطه سببیت اثبات کند. معیار تشخیص این نوع مسئولیت، رفتار مرتکب است، بدین معنی که وی در صورتی محکوم به جبران زیان وارده خواهد شد که رفتار او خطاکارانه شناخته شود.

بر عکس در مسئولیت مبتنی بر خطر که از آن به مسئولیت نوعی نیز یاد می‌شود، ضابطه تشخیص فقط، احراز رابطه سببیت بین رفتار مرتکب و زیان وارده است. اینکه عمل مرتکب مشروع بوده است یا نه، دخالتی در مسئولیت وی ندارد. در این نوع از

انتساب مسئوليت فقط اثبات عوامل خارجي مانند قوه قهریه و فعل شخص زیان دیده است که مرتکب را از بار تعهد می‌رهاند.

با تحول اجتماع و ایجاد خسارات سنگین جانی، اگرچه به‌کاربردن نظریه خطر، بدون نیاز به اثبات تقصیر مرتکب باعث مسئول شناخته‌شدن وی می‌شد، ولی اغلب عجز مالی مرتکب، زیان‌دیده را بدون جبران باقی می‌گذاشت. این امر باعث شد که بستر و زمینه ایجاد سامانه جبران بدون قید و شرطی در برخی کشورها به‌وجود بیاید که از آن به نظریه تضمین حق، یاد شده است. طبق این نظریه هرکس حق دارد در جامعه خود سالم و ایمن زندگی کند و حقوق او تضمین شود. هیچ‌کس حق ندارد حقوق و سلامتی و ایمنی زندگی دیگران را به خطر اندازد. پس به محض اینکه حقی از بین رفت و زبانی وارد شد باید جبران شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷ الف). به علت حیاتی‌بودن سلامت افراد جامعه و تهدیدشدن سلامت آنان با اختراعات جدید، این نوع از حمایت عمومی از زیان‌دیده در خسارات جانی مرسوم شده است. در اجرای این نظریه، دولت، چتر حمایتی خود را بر سر زیان‌دیدگان گشوده و خسارت آنان را جبران می‌نماید (بوشهری، ۱۳۸۳). به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار در وضع ماده ۱۰ قانون بیمه شخص ثالث (محمود صالحی، ۱۳۷۲) و ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی به این نظریه توجه داشته است.

۲-۵. بیمه مسئولیت و بیمه شخص ثالث

هر شخصی امکان دارد به‌واسطه فعالیت حرفه‌ای که در اجتماع انجام می‌دهد زبانی به دیگری برساند. این زیان باعث می‌شود که دارایی مرتکب، به‌واسطه مطالبه زیان‌دیده جهت جبران خسارت، در معرض خطر قرار بگیرد. در صورتی که امکان دفع خطر موجود نباشد، بهترین واکنش به آن، انتقال خطر است. در نتیجه افراد، گرایش دارند تا مسئولیت خود را به شرکت‌های بیمه منتقل نمایند و بیمه‌های مسئولیت، تنوع فراوان یافته‌اند. پایه شکل‌گیری بیمه مسئولیت ماده ۴ قانون بیمه است که بیان می‌نماید: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع

مسئولیت حقوقی...». طرفین قرارداد بیمه مسئولیت عبارت‌اند از: بیمه‌گر به عنوان پوشش‌دهنده خطر؛ بیمه‌گذار به عنوان کسی که قرارداد بیمه را با بیمه‌گر منعقد نموده و حق بیمه را می‌پردازد؛ ثالث یا زیان‌دیده ناشی از عمل بیمه‌گذار. بنابراین با توجه به مؤلفه‌های یادشده، بیمه مسئولیت را می‌توان این چنین تعریف کرد: «قراردادی است که بر اساس آن یک طرف به عنوان بیمه‌گر و ارائه‌دهنده پوشش، متعهد می‌شود که در عوض گرفتن حق بیمه نسبت به جبران زیان‌های ناشی از فعالیت بیمه‌گذار اقدام نماید». در بیمه مسئولیت، «بیمه‌گذار» همان «بیمه‌شده» است. در واقع بیمه مسئولیت برای تأمین ضررهایی است که به واسطه اعمال بیمه‌گذار متوجه دارایی وی می‌گردد، اما انجام تعهد بیمه‌گر برای جبران خسارت بیمه‌گذار، مستلزم جبران خسارت از زیان‌دیده ثالث است. به عبارت دیگر، موضوع پوشش بیمه‌نامه مسئولیت، جبران زیان حاصل از اعمال و رفتار بیمه‌گذار است که باعث بروز زیان به اشخاص ثالث و تحقق مسئولیت مدنی خویش گردیده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ج). مفهومی که از این عقد ارائه شد، در راستا و منطبق با ماهیت عقد بیمه است، زیرا عقد بیمه، یک عقد معلق بوده و اجرای آن از طرف بیمه‌گر منوط به تحقق خطر موضوع بیمه است. بنابراین در بیمه مسئولیت، پیروی کردن مسئولیت بیمه‌گر از مسئولیت بیمه‌گذار ناشی از ماهیت قرارداد بیمه است. در میان انواع بیمه‌های مسئولیت، بیمه شخص ثالث اتومبیل از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است. از جمله خصوصیات مهم بیمه‌نامه شخص ثالث عبارت‌اند از: اجباری بودن انعقاد این نوع از قرارداد هم برای بیمه‌گذار و هم برای بیمه‌گر (مهم‌ترین ویژگی بیمه‌نامه شخص ثالث)؛ حاکم بودن قانون خاص بر این نوع از بیمه مسئولیت؛ برتری مصلحت عمومی و حمایت از امنیت روانی اقشار جامعه در تصویب قانون بیمه اجباری بر منافع اقتصادی و جنبه‌های تجاری عقد بیمه؛ پیوستگی مسئولیت دارنده با خطرات ناشی از وسیله نقلیه موضوع بیمه که از این ویژگی، نویسندگان مختلف با عنوان مسئولیت نوعی، عینی، مسئولیت بدون تقصیر یا فرض تقصیر یاد کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ج، ب؛ لوراسا، ۱۳۷۵). در اینجا ما به اعتبار اینکه قانون‌گذار بدون

نياز به احراز تقصير و صرفاً به دليل ورود ضرر ناشي از وسيله نقليه اقدام به شناسايي مسئوليت کرده است، اصطلاح مسئوليت نوعی را به کار خواهيم برد.

گاهی خصوصيات بیمه شخص ثالث منجر به برداشت‌ها و تفاسير متناقضی از قانون مزبور شده است. بايد تأکيد کرد که خصوصيات مزبور گرچه ممکن است در ميزان گستردگی مسئوليت و تعهدات بیمه‌گر مؤثر باشند (کاتوزيان، ۱۳۸۷ج) ولی باعث تغيير ماهيت و نوع بیمه نمی‌شوند و همچنان از آن به بیمه‌نامه مسئوليت یاد می‌شود.

تبصره ۱ از ماده ۱ قانون بیمه شخص ثالث، دارنده را «اعم از مالک يا متصرف وسيله نقليه» در نظر گرفته است و هر يك به عنوان بیمه‌گذار می‌توانند اقدام به انعقاد قرارداد بیمه با بیمه‌گر نمایند. در بسياری از موارد راننده مقصر، شخصی غير از بیمه‌گذار بوده و قراردادی با بیمه‌گر ندارد، ولی طبق قانون بیمه شخص ثالث اين مسئله باعث محروميت زيان‌ديده از پوشش بیمه‌نامه نيست، زيرا بیمه‌نامه مسئوليت برای وسيله نقليه خريدار شده و خطرات ناشي از وسيله نقليه حين رانندگي را صرف‌نظر از اينکه چه کسی راننده آن باشد، پوشش می‌دهد. تعهد بیمه‌گر ناشي از مصلحت‌اندیشي قانون برای جبران خسارات زيان‌ديدهگان ثالث است و اين دال بر «ثالث» يا «بیمه‌شده» تلقی کردن راننده مقصر حادثه نمی‌شود.^۱ به همین دليل راننده مقصری که بیمه‌گذار نيست و خسارت را به زيان‌ديده پرداخته است، به علت فقدان رابطه قراردادی نمی‌تواند مبلغ پرداخت شده به زيان‌ديده را از بیمه‌گر مطالبه کند. درحالی‌که در مورد بیمه‌گذار اين محدوديت وجود ندارد. گرچه نظر مخالف نیز طرفداران کمی ندارد (کاتوزيان، ۱۳۸۷ج) ولی نظر اخير را تبصره ۲ و ۶، ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ تأييد می‌نماید.

۱. ذکر اين نکته شايد لازم است که بیمه‌نامه شخص ثالث دارای پوشش حوادث سرنشين نیز است که برای جبران خسارات جانی راننده مقصر حادثه پيش‌بینی شده است و مباحث مربوط به اين پوشش نبايد با پوشش بیمه‌نامه مسئوليت در قبال ثالث، آميخته شود.

گاهی در حوادث رانندگی، شخص کشته شده مورث راننده مقصر است. راننده مقصر به استناد بیمه نامه شخص ثالث و ماده ۸۸۰ قانون مدنی که قتل غیر عمدی را مانع ارث نمی داند، جهت اخذ دیه متوفی علیه شرکت بیمه گر طرح دعوا می نماید. در چنین مواقعی، صرف نظر از اینکه راننده مقصر، بیمه گذار باشد یا خیر، در مورد ثالث محسوب شدن وی، اختلاف نظر وجود دارد. اینکه بیمه گر موظف به پرداخت دیه متوفی به مقصر حادثه می باشد یا خیر، هر کدام موافقان و مخالفانی دارد که در بخش های پیش رو به این اختلاف خواهیم پرداخت.

۶. نظر موافقان پرداخت

این گروه مبنا و اساس پرداخت خسارت توسط بیمه گر را الزام قانونی می دانند. از دیدگاه آنها فلسفه وجودی قانون بیمه شخص ثالث بنابر مصالح اجتماعی، جبران نسبی ضرر زیان دیده یا خانواده وی و همینطور جلوگیری از زیان مالی شدید مقصر حادثه است و در صورتی که مقصر حادثه خود در جرگه خانواده قربانی قرار بگیرد، وی هم تحت این پوشش قرار خواهد گرفت، زیرا با توجه به منطوق استدلال یاد شده، مقصر حادثه در هر دو گروه مورد حمایت قانون قرار دارد و به طریق اولی باید به عنوان حمایت شونده از دو سو از حکم این قانون بهره مند باشد. از طرفی با توجه به اینکه مطابق ماده ۸۸۰ قانون مدنی فقط قتل عمد مانع ارث می باشد و قتل در حوادث رانندگی، قتل عمد محسوب نمی شود، لذا راننده مقصر از دیه مورث مقتول خود محروم نشده و ارث می برد.

از سوی دیگر ویژگی مهم بیمه مسئولیت منعقد تحت قانون بیمه شخص ثالث که از آثار تعهد به نفع شخص ثالث می باشد، امکان مطالبه مستقیم زیان دیده از بیمه گر است (کاتوزیان، ۱۳۷۶). بنابراین با وجود این امکان فرقی نمی کند که چه کسی (حتی اگر مقصر حادثه باشد) در جایگاه زیان دیده به بیمه گر مراجعه نماید. بیمه گر بنابر وظیفه قانونی و قراردادی ملزم به پرداخت خسارت است و این مسئله که بیمه گر از جانب چه کسی پرداخت می کند آنچنان محل پرسش نیست؛ مالک، راننده یا هر دارنده دیگر که

قرارداد بيمه مسئوليت را با بيمه‌گر منعقد کرده باشد، بيمه‌نامه برای وسيله‌نقلیه خریداری شده است (ماده یک قانون اصلاح قانون بيمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷) و بيمه‌گر به موجب قانون بيمه شخص ثالث ملزم به جبران خسارت وارده ناشی از وسيله نقلیه مورد بيمه است.

در واقع مطابق ماده ۱ قانون اصلاح قانون بيمه شخص ثالث، صرف نظر از اینکه طرف عقد بيمه چه شخصی باشد، بيمه‌نامه برای وسيله نقلیه خریداری شده و پرداخت بيمه‌گر توأمان بنابر تعهدات قراردادی و قانونی صورت می‌گیرد. لذا مبانی نظریه خطر بر ماده ۱ بيمه شخص ثالث حاکم است و خسارت از محل بيمه‌نامه به هر کسی که زیان‌دیده قلمداد شود، قابل پرداخت است. این در حالی است که مقنن در ماده ۴ قانون ایمنی راه‌ها پا را فراتر نهاده و از نظریه تضمین حق پیروی کرده است و بيمه‌گر را در هر صورتی حتی با تقصیر زیان‌دیده موظف به جبران خسارت کرده است. در واقع موافقان پرداخت خسارت به مقصر حادثه با تمسک به قوانین یادشده و این امر که بيمه‌نامه برای وسيله نقلیه خریده شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج) با تسری مسئولیت نوعی دارنده به بيمه‌گر، به محض ورود خسارات ناشی از وسيله نقلیه، پوشش موضوع بيمه را محقق شده فرض می‌کنند و خسارت را از بيمه‌گر قابل مطالبه می‌دانند، حتی اگر این مطالبه از سوی مقصر حادثه صورت گیرد.

همچنین از نظر موافقان پرداخت ديه، اگرچه اصولاً بيمه شخص ثالث، بيمه‌نامه مسئولیت است اما قرارداد بيمه شخص ثالث علاوه بر ویژگی پوشش مسئولیت، واجد ویژگی‌های دیگری نیز است. این بيمه‌نامه دارای ویژگی‌هایی متشکل از بيمه‌نامه مسئولیت و حوادث است و تأکید صرف بر بيمه مسئولیت و نادیده گرفتن ویژگی‌های دیگر این بيمه‌نامه مخالف روح حاکم بر قانون بيمه شخص ثالث است. هدف این قانون جبران خسارت زیان‌دیده است و اگر با تفسیر بيمه‌نامه در چهارچوب بيمه‌نامه مسئولیت امکان پرداخت نباشد با یاری گرفتن از سایر ویژگی‌های بيمه‌نامه می‌توان خسارت را پرداخت نمود، زیرا در بيمه حوادث زیان‌وارده حتی اگر ناشی از قصور

خود بیمه‌گذار باشد قابل جبران بوده و در سایر بیمه‌های اشخاص نیز جز در موارد استثنایی خسارت ناشی از خطای بیمه‌گذار قابل جبران است. بنابراین پرداخت خسارت از طرف بیمه‌گر به مقصر حادثه اگر هم با ویژگی مسئولیت بیمه‌نامه منافات داشته باشد، منافاتی با خصوصیت پوشش حوادث ندارد.

۷. نظر مخالفان پرداخت

بیمه، قرارداد انتقال ریسک و معلق به تحقق خطر است، یعنی با وقوع حادثه زیانبار، مسئولیت بیمه‌گر در جبران خسارت محقق می‌شود. در میان انواع قراردادهای بیمه، موضوع پوشش بیمه مسئولیت، جبران خسارت‌هایی است که از کردار بیمه‌گذار ناشی شده و به اشخاص ثالث آسیب رسانده باشد. مسلماً این بیمه‌نامه خسارت‌های مالی و جانی وارده به خود بیمه‌گذار را دربر نمی‌گیرد و این خسارات خارج از چهارچوب بیمه مسئولیت است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ج). هدف قانون بیمه شخص ثالث نیز پوشش زیان‌های وارده به افراد ثالث است و امکان جبران خسارت از مقصر حادثه به استناد قانون بیمه شخص ثالث و بیمه‌نامه مسئولیت وجود ندارد. در واقع بیمه مسئولیت در بستر ارکان مسئولیت مدنی صادر می‌شود و همانطور که از نظر حقوق حاکم بر مسئولیت مدنی مشخص است، اشخاص در مقابل خودشان مسئول نیستند و در این خصوص بیمه‌نامه نیز پوشش ندارد. این مسئله از نظر فقهی هم مورد تأیید است، زیرا بر پایه «قاعده اقدام»، شخص به واسطه خطای خودش نمی‌تواند از کسی مطالبه خسارت نماید. رأی شعبه ۱۹ دادگاه بدوی تهران در دعوی م.ک علیه شرکت بیمه ایران مؤید این نظر است. در این پرونده خواهان، مقصر حادثه‌ای بود که منجر به قتل فرزند خود شده بود و به استناد قانون بیمه شخص ثالث، تقاضای دریافت دیه از شرکت خوانده را داشت که دادگاه مقرر نمود: «... زیان‌رساننده نمی‌تواند دریافت‌کننده خسارت باشد... لذا دادگاه دعوی خواهان را متکی به مبانی حقوقی و قانونی ندانسته و مستنداً ... حکم به بطلان دعوی وی صادر...» (دعوی م.ک علیه شرکت بیمه ایران، ۱۳۹۰).

به نظر اين گروه مبنای پرداخت خسارت در قانون بيمه شخص ثالث هيچ شباهتی با مبنای ماده ۴ قانون ايمنی راهها ندارد. حکم ماده ۴ قانون ايمنی راهها حکمی خاص است؛ زیرا بر هيچ اصل و تحليل حقوقی مبتنی نیست. صرفاً مصلحت اجتماعی و اقتصادی مبنای اين ماده بوده است، زیرا مطابق اين ماده حتی اگر بيمه‌گذار مقصر حادثه نباشد باز هم بيمه‌گر مسئول جبران خسارات زیان‌دیده است. درحالی‌که قانون بيمه شخص ثالث اين چنین نیست، زیرا حقوقدانان و نیز رویه دادگاه‌ها قانون بيمه شخص ثالث را در تعامل و رابطه با قوانین دیگر و قواعد عمومی مسئولیت تحليل کرده و مورد استناد قرار می‌دهند (کاتوزیان، ۱۳۸۱). احراز مسئولیت به وسیله دادگاه صورت می‌گیرد و پس از ارائه دادنامه صادره و اثبات مسئولیت راننده به واسطه استفاده از وسیله نقلیه است که بيمه‌گر ديه را پرداخت می‌کند. بنابراین از آنجاکه ماده ۴ قانون ايمنی راهها بر خلاف مبنای مسئولیت مدنی و مبنای مورد نظر قانون بيمه شخص ثالث است، حکمی استثنایی بوده و به موارد غیر، تسری پیدا نمی‌کند و در تعیین نظام حقوقی حاکم بر بيمه شخص ثالث، نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد.

امکان مراجعه مستقیم زیان‌دیده به بيمه‌گر علاوه بر اینکه نوعی تسهیل قانون‌گذار به‌خاطر مصالح اجتماعی است (خدابخشی شلمزاری، ۱۳۸۴)، مبتنی بر تحليل حقوقی نیز است. چرایی اين سخن در ماهیت عقد بيمه مسئولیت نهفته است؛ بيمه‌گر متعهد به پرداخت خسارت ناشی از مسئولیت بيمه‌گذار است و بدون مطالبه خسارت، احراز مسئولیت میسر نیست و بدون احراز اين مسئولیت، امکان جبران خسارت هم وجود ندارد، زیرا بدون ارائه مدارک دال بر مسئولیت بيمه‌گذار به بيمه‌گر، احراز مسئولیت بيمه‌گذار ممکن نیست و در واقع به همراه همین مطالبه و ارائه مدارک است که زیان‌دیده کار احراز مسئولیت را انجام می‌دهد. ورود خسارت به زیان‌دیده از طرف بيمه‌گذار باعث می‌شود بيمه‌گذار به صورت بالقوه مسئول جبران خسارت زیان‌دیده شود ولی تا زمانی که زیان‌دیده از وی خسارت را مطالبه نکرده است، ضرری دارایی بيمه‌گذار را تهدید نمی‌کند. با مطالبه زیان‌دیده، موضوع قرارداد بيمه مسئولیت یعنی

تهدید دارایی بیمه‌گذار از حالت قوه به فعل در می‌آید. به عبارتی همیشه این احتمال وجود دارد که زیان‌دیده جبران خسارت خود را مطالبه ننماید (محمود صالحی، ۱۳۸۳). بنابراین امکان مراجعه مستقیم به بیمه‌گر باعث حذف حلقه مسئولیت مقصر اصلی حادثه نمی‌شود و صرفاً تسهیل قانون‌گذار برای جبران خسارات زیان‌دیده است و محمولی برای انتفاع مقصر از قصور خویش محسوب نمی‌شود.

در مورد ویژگی‌های خاص بیمه شخص ثالث که دارای جنبه‌های چندگانه اعم از بیمه‌نامه‌های مسئولیت و حوادث است، گفته شده اصولاً بیمه شخص ثالث همانطور که از نام آن پیداست بیمه‌نامه مسئولیت و پوشش آن برای افراد ثالث است، ولی قانون‌گذار در موارد خاصی بنابر مصالحی (تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷) آن را مشمول بیمه حوادث نموده است. در غیر موارد مزبور همچنان قواعد بیمه مسئولیت بر بیمه‌نامه شخص ثالث حاکم است.

ایراد دیگر بیمه‌گران به ادعای پرداخت خسارت از محل بیمه‌نامه شخص ثالث، تحقق مالکیت مافی‌الذمه است. جمع دو عنوان بدهکار و طلبکار در یک شخص یا جمع آمدن دو وصف طلب و بدهی در یک دارایی، شرایطی است که باعث تحقق مالکیت مافی‌الذمه می‌شود. با توجه به اینکه مالکیت مافی‌الذمه سبب می‌شود تا بدهکار ذمه خویش را مالک شود، بنابراین همین تداخل دارایی‌ها باعث برائت او و سقوط تعهد است (کاتوزیان، ۱۳۷۹). در موضوع اختلاف نیز مقصر حادثه که خود هم بدهکار دیه و هم اولیای دم قربانی و مستحق اخذ دیه است، مالک فی‌الذمه خود شده و تعهد وی به پرداخت دیه ساقط می‌شود و شرکت بیمه نیز با سقوط مسئولیت متعهد اصلی، مسئولیتی برای پرداخت ندارد.

۸. ارزیابی نظرات

با توجه به استدلال موافقان و مخالفان به‌نظرمی‌رسد یافتن مبنای الزام بیمه‌گر به جبران خسارت می‌تواند مشکل‌گشا باشد. می‌دانیم که بیمه‌گران مطابق قانون بیمه شخص ثالث و قرارداد بیمه‌نامه شخص ثالث و در قالب مقررات دیه مندرج در قانون مجازات

اسلامي اقدام به جبران خسارت مي‌نمايند. يعني مبناي تعهدات بيمه‌گران، ترقيقي از الزامات قانوني و قراردادي است. لذا بررسي موضوع تحت هر يك از الزامات مزبور ما را در يافتن پاسخ ياري مي‌رساند.

۱-۸ از لحاظ جايگاه قانون بيمه شخص ثالث

از ديدگاه كلاسيك مسئوليت مدني و قاعده اقدام، براي مقصر نمي‌توان حقي قائل بود. با وارد شدن منبع جديدي به نام قانون بيمه شخص ثالث و وارد شدن نقش بيمه‌گر در وادي پرداخت خسارت، ترديدها آغاز مي‌شود، زيرا اين بار پرداخت‌کننده و گيرنده ديه يك شخص نيستند و بيمه‌گر از باب پوشش اجتماعي و اجباري پرداخت مي‌کند و مقصر، مدعي دريافت آن است. بنا بر اين بايد مشخص گردد که يك حادثه تا چه حدودي در حيطه پوشش ضرورت اجتماعي مستتر در قانون بيمه شخص ثالث است و چه زماني بايد از منابع كلاسيك مسئوليت مدني کمک گرفت.

در قانون سال ۱۳۴۷ نخست، دارنده، مسئول شناخته مي‌شد و سپس تأمين آن خسارت برعهده شرکت بيمه‌گر نهاده مي‌شد. درحالي که ماده ۱ قانون اصلاح بدون اينکه به مسئوليت دارنده کوچک‌ترين اشاره‌اي داشته باشد، بيمه‌گر را مکلف به پرداخت نموده است. در نگاه نخست به ماده ۱ بيمه شخص ثالث مي‌توان نتيجه‌گيري نمود که از نظريه خطر پيروي کرده است؛ حذف صدر ماده ۱ قانون بيمه اجباري شخص ثالث مصوب سال ۱۳۴۷ در قانون اصلاح مصوب ۱۳۸۷ نیز مؤيد اين استنباط است. ولي بايد گفت که وجود تبصره ۲ ماده ۱ که اشعار مي‌دارد: «مسئوليت دارنده وسيله نقلیه مانع از مسئوليت شخصي که حادثه منسوب به فعل يا ترک فعل او است، نمي‌باشد.»؛ موادي مانند ماده ۵ در قانون سال ۱۳۴۷ شخص ثالث و ماده ۶ و ۵ در قانون جديد مبني بر مراجعه به مقصر حادثه؛ همچنين شيوه پرداخت خسارت از جمله مراحل صدور حکم به محکوميت مقصر در حوادث رانندگي و احراز تقصير وي از سوي دادگاه، همگي نشان‌دهنده اين است که قانون‌گذار و رويه قضايي از نظريه خطر يا تضمين حق به‌طور مطلق پيروي نکرده‌اند. چون با شناسايي نظامي که در آن بدون

احراز مسئولیت مقصر بتوان به وسیله بیمه به جبران خسارت پرداخت، جامعه با سیل سهمگینی از افرادی مواجه می‌شود که با سهل‌انگاری، جان تکتک افراد اجتماع را تهدید می‌کنند. این امر باعث گسترش حوادث رانندگی و نقض غرض قانون‌گذار خواهد شد (خدابخشی شلمزاری، ۱۳۸۴) و در نهایت تمام بنیانی که قانون بیمه شخص ثالث از لحاظ حفظ مصلحت عمومی و حمایت از امنیت خاطر مردم بر آن بنا نهاده شده، فرو خواهد ریخت (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ج). بنابراین همان مصلحت اجتماعی که نسبت به جبران خسارت زیان‌دیده در قانون مزبور وجود دارد در مورد پیشگیری و جلوگیری از گسترش خسارات نیز وجود دارد.

از سوی دیگر باید گفت که هدف وضع قانون بیمه شخص ثالث برای جبران خسارت اشخاص ثالث بوده و طبق صراحت تبصره ۶ ماده ۱ قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۷۸ امکان قرار گرفتن راننده مقصر حادثه در جرگه شخص ثالث وجود ندارد. لذا استفاده از پوشش بیمه‌نامه شخص ثالث نیز - حتی با تفاسیر ارائه‌شده در خصوص مصالح اجتماعی - برای راننده مقصر میسر نیست.

در خصوص حذف صدر ماده ۱ قانون بیمه شخص ثالث اجباری سال ۱۳۴۷ نیز اگر نسبت کم دقتی را به قانون‌گذاران وارد ندانیم، باید گفت که از جهت پرداختن به اصل موضوع که حمایت بیمه‌ای از زیان‌دیدگان است و از جهت قصد قانون‌گذار در حل مشکلات اجرایی قانون بیمه اجباری پیشین، قابل توجیه است. از طرفی تبصره ۲ ماده ۱ قانون سال ۱۳۸۷ مسئول نهایی حادثه را کسی می‌داند که حادثه متسبب به فعل یا ترک فعل اوست، لذا تعیین مسئول حادثه از نظر قانون‌گذار حائز اهمیت بوده است. در واقع قانون‌گذار با آنکه قصد جبران خسارت از زیان‌دیده را داشته برای جلوگیری از سوء استفاده رانندگان مقصر از بیمه‌نامه شخص ثالث همچنان پایه و مبنای الزام بیمه‌گر را نظریه تقصیر قرار داده است.

مضافاً اینکه بیمه‌گر یک شخص حقوقی است و به همان اندازه که دارای تکالیف اجباری در قوانین بیمه‌ای است، دارای حقوقی نیز است. در واقع مطابق قانون اساسی و

قوانين موضوعه، بيمه‌گر جز در مواردی که طبيعتاً با ماهيت شخص حقوقی معارض است، دارای همه حقوق شناخته‌شده برای اشخاص حقیقی است (ماده ۵۸۸ قانون تجارت). بنابراین اگر قانونی که هدف آن حمايت از زیان‌دیدگان است، تبدیل به ابزاری برای انتفاع خطاکاران جامعه شود، بيمه‌گر نیز مانند هر شخص حقیقی دیگری می‌تواند، با استناد به قواعد مسئولیت مدنی، خود را از تعهدات ناعادلانه برهاند.

۲-۸. از لحاظ مقررات حاکم بر ديه به‌عنوان خسارت

می‌دانیم که ديه ماهیتی دوگانه دارد؛ از طرفی ديه مجازات است، زیرا برای جرم تعیین گردیده و ازسوی دیگر به زیان‌دیده پرداخت می‌شود که چهره خسارت را دارد. در اینجا ديه را باید خسارت تعریف کرد، زیرا مجازات کیفری به علت مخالفت با نظم عمومی اساساً قابلیت قرار گرفتن تحت پوشش بيمه را ندارد و ديه مقرر توسط دادگاه کیفری برای حوادث رانندگی صرفاً دارای جنبه خسارتی و مدنی است. بنابراین ديه پرداختی توسط شرکت بيمه‌گر باید در چهارچوب مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ج).

ديه از مقصر حادثه گرفته می‌شود و قواعد حاکم بر ديه از مبانی تقصیر پیروی می‌کند. در واقع طبق مقررات ديه به‌جز در موارد استثناء همچون بحث عاقله نمی‌توان از کسی غیر از مقصر، ديه را مطالبه نمود. تعهدات بيمه‌گر در بيمه‌نامه شخص ثالث از سیستم پرداخت ديه قانون مجازات اسلامی پیروی می‌نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ب). در سیستم‌های جبران خسارت اغلب کشورها میزان خسارت بدنی از ابتدا مشخص نیست و پس از حادثه و رسیدگی و با سنجش عوامل مختلف از جمله میزان درآمد، هزینه‌های احتمالی ناشی از صدمات روحی و... معین می‌شود (نوذری، ۱۳۸۸). لذا با وجودی که بيمه‌نامه، سقف مشخصی دارد ولی میزان خسارت احتمالی تعیین‌شده در صورت مرگ یا آسیب‌دیدن فرد ثالث و اینکه سقف بيمه‌نامه، میزان خسارت تعیین‌شده را پوشش خواهد داد یا نه معلوم نیست. در ایران میزان خسارت بدنی در قالب ديه از پیش تعیین شده است و تنها احراز میزان آسیب، مواضع آسیب‌دیده، انتساب ورود

خسارت به مقصر و احراز تقصیر توسط پزشکی قانونی و دادگاه صورت می‌گیرد. بیمه شخص ثالث این میزان را پوشش می‌دهد و معمولاً هر ساله بیمه‌گران، سقف تعهدات بیمه‌نامه را براساس نرخ اعلامی دیه بالا می‌برند و تعهداتشان نیز وفق مقررات دیه محقق می‌شود. بنابراین نظام حاکم بر مسئولیت بیمه‌گران از لحاظ فرایند پرداخت خسارت حوادث رانندگی از قواعد عمومی مسئولیت مدنی و مبانی تقصیر پیروی می‌کند. در واقع اگر مقصر حادثه خود تنها باقی‌مانده متوفی باشد، مسلماً نمی‌تواند در دادگاه کیفری برای اخذ دیه، علیه خویش شکایت نماید و چون در ایران، تعهد بیمه‌گر پرداخت دیه‌ای است که مقصر محکوم شده و پرداخت وی به پیروی از مقررات دیه صورت می‌گیرد، بنابراین مطالبه دیه توسط مقصر حادثه از بیمه‌گر، که گستره مسئولیتش جبران خسارات وارده توسط مقصر به دیگران است، با منع قانونی مواجه است.

۳-۸. از لحاظ قراردادی و تحقق مالکیت مافی‌الذمه

گرچه در رویه قضایی هنوز دیدگاهی مطرح نشده است که ایراد مالکیت مافی‌الذمه مطرح شده از سوی بیمه‌گران را پاسخ گوید، ولی در مقابل ایراد مالکیت مافی‌الذمه ممکن است این نظر بیان شود که اساساً مالکیت مافی‌الذمه باعث سقوط حق نیست، زیرا مالکیت مافی‌الذمه خصوصیات همسان با وفای به عهد و سایر موارد سقوط تعهد را ندارد. در وفای به عهد، تعهد اجرا می‌شود و امکان الزام متعهد به انجام دوباره تعهد وجود ندارد، بنابراین سقوط تعهد اثر انجام تعهد است، اما در مالکیت مافی‌الذمه آنچه که باعث شده امکان انجام تعهد نباشد، مانعی است که در راه اجرای تعهد به وجود آمده و اصل حق از بین نرفته است و با زوال مانع، اصل تعهد نیز بر می‌گردد و در اینجا مانع مربوط به مقصر به بیمه‌گر سرایت نمی‌کند. بنابراین ایراد مالکیت مافی‌الذمه وارد نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۹).

طبق این استدلال چون مسئولیت بیمه‌گر ناشی از قانون است و پرداخت خسارت ناشی از وسایل نقلیه طبق قانون بیمه اجباری مستقیماً برعهده بیمه‌گر نهاده شده است و از

آغاز برای مقصر، مسئولیتی متصور نمی‌باشد و نظر به اینکه مالکیت مافی‌الذمه «التزام به تأدیه» را ساقط می‌کند ولی اصل تعهد و مسئولیت را از بین نمی‌برد، بنابراین اصل تعهد باقی است و التزام به تأدیه هم که در اینجا از سوی قانون‌گذار برعهده بیمه‌گر نهاده شده است، با مانع مواجه نیست، لذا خسارت از بیمه‌گر به مقصر قابل پرداخت است. به نظر می‌رسد که نظام حمایت از زیان‌دیدگان در قالب قرارداد بیمه مسئولیت (فرعی بودن مسئولیت بیمه‌گر) پذیرش استدلال یادشده را دشوار می‌نماید. زیرا برخلاف کشورهایمانند عراق (ماده ۱ بیمه اجباری عراق مصوب ۱۹۸۰) که هر اتومبیل خودبه‌خود حتی بدون وجود بیمه‌نامه نیز در قبال حوادث ناشی از آن بیمه است (پیروی از نظریه تضمین حق) در حقوق ایران قرارداد بیمه برای وسایل نقلیه منعقد می‌شود (امامی‌پور، ۱۳۸۰). وسیله نقلیه‌ای که بیمه‌نامه نداشته باشد، فاقد پوشش محسوب می‌شود. در واقع تعهدات بیمه‌گران علاوه بر پایه قانونی از پایه قراردادی نیز برخوردار است. به عبارت دیگر گرچه هریک از مبانی قانونی و قراردادی به تنهایی برای الزام بیمه‌گران لازم هستند ولی شرط کافی محسوب نمی‌شوند و باید توأمان محقق گردند.

از طرفی استدلال عدم اسقاط حق به واسطه مالکیت مافی‌الذمه در پاسخ به این پرسش که چگونه مورد تعهد قابل اجرا به نفع متعهد است، مشکل‌گشا نیست. زیرا با عوض شدن فردی که خسارت را می‌پردازد (ملتزم به تأدیه) مقصر همچنان متعهد اصلی باقی می‌ماند و جای متعهد و متعهدله عوض نمی‌شود. حتی اگر متعهد در جایگاه قائم مقام عام قربانی باشد و به فلسفه حمایتی قانون بیمه شخص ثالث و مسئولیت مستقیم بیمه‌گر در ماده ۱ قانون یادشده نیز استناد شود، باز همچنان تبصره ۲ و ۶ ماده ۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷ مانع تکوین شخصیت متعهدله در شخص راننده مقصر و متعهد است و گرفتن خسارت از محل پوشش جانی بیمه‌نامه شخص ثالث برای مقصر ناممکن است.

۴-۸. از لحاظ مقررات ارث

ارث، حق بازماندگان نسبت به اموال متوفی است و تحقق آن با مرگ مورث است (ماده ۸۶۷ قانون مدنی) و نیازی به اعلام اراده یا عمل حقوقی خاصی ندارد. البته باید

در نظر داشت که اصولاً بحث ارث و استحقاق یا عدم استحقاق وارث پس از بررسی و تعیین ذی‌نفع دریافت‌کننده و مشخص نمودن طلب و بدهی ترکه مشخص می‌شود و این امر منافاتی با خصوصیت قهری بودن ارث ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۰)؛ زیرا مقررات ارث بر اموال به‌جا مانده از متوفی (ترکه) اعمال می‌شود و در جایی که هنوز مالی داخل در ترکه قرار نگرفته و حق ورثه نسبت به آن استقرار نیافته است، بی‌گمان اعمال مقررات ارث نیز بر آن سالبه به انتفاع موضوع است. وجود شخصیت حقوقی و مستقل ترکه این استدلال را قوت می‌بخشد، زیرا پس از مرگ متوفی به‌واسطه تقصیر راننده، وی بدهکار دیه به ترکه است و دیه در ترکه استقرار نیافته است (کاتوزیان، ۱۳۸۰). بنابراین با توجه به مطالب بخش پیشین در خصوص مالکیت مافی‌الذمه، سخن گفتن از توارث و توسل به مفهوم مخالف ماده ۸۸۰ قانون مدنی، مبنی بر اینکه قتل غیر عمدی مانع ارث نمی‌باشد، جایگاهی ندارد. زیرا گذشته از اینکه در قتل غیر عمد، ارث‌بردن قاتل از دیه مقتول بین فقها مورد اختلاف است (محمدی، ۱۳۶۰)، از نظر قواعد مسئولیت مدنی هم ارث‌بردن مقصر پذیرفتنی نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۰). به‌نظر می‌رسد حتی با فرض اینکه قاتل غیر عمد قابلیت ارث‌بردن را داشته باشد، باز هم چون مقصر حادثه بوده و متعهد اصلی پرداخت خسارت است و باید دیه را به خودش به‌عنوان بازمانده متوفی پرداخت کند، به علت وقوع مالکیت مافی‌الذمه و سقوط تعهد، نوبت به اعمال قواعد توارث و ماده ۸۸۰ قانون مدنی نمی‌رسد. اختلافی هم که در فقه در خصوص استحقاق قاتل غیر عمد نسبت به دیه وجود دارد، ناخواسته از این موضع برخاسته است، زیرا خود قاتل که موظف به پرداخت دیه است، چگونه می‌تواند خودش از مبلغ پرداختی خودش ارث ببرد. در واقع منظور فقها در خصوص مباحث مربوط به ارث‌بردن قاتل غیر عمد، متوجه ماترک بجا مانده از متوفی بوده و در مقام بیان تشریح وضعیت ارث بوده‌اند، نه در مقام بیان قواعد ضمان و مسئولیت. این نظر را یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر در دعوی ع.م علیه شرکت بیمه ایران به‌طور ضمنی پذیرفته است. در این دعوا که خواهان، راننده مقصر حادثه بود و باعث کشته شدن

همسر و فرزند خود شده بود، دادگاه پژوهشی در نقض دادنامه بدوی مقرر داشت: «قتل غیر عمد بنا به فتوای فقهای عظام مانع از ارث قاتل در خصوص ديه مترتبه است و توجهات فتاوی امام خمینی ره در جلد دوم تحریرالوسیله صفحه ۳۶۷ و فتاوی آقایان عظام محمدتقی بهجت، سیدعلی سینایی، لطفاله صافی گلپایگانی و محمدفاضل لنکرانی در سال ۱۳۸۱ رای صادره مخدوش بوده نقض و حکم به بی حقی وی صادر می‌گردد...» (دعوی ع.م علیه شرکت سهامی بیمه ایران، ۱۳۹۰). در واقع ماده ۸۸۰ قانون مدنی و نظریات فقهی مرتبط با آن صرفاً در مقام بیان عدم قابلیت ارث بردن قاتل عمد و امکان ارث بردن قاتل غیر عمد از ماترک مقتول بوده است، نه در مقام بیان تحقق حق یا تثبیت حقوق احتمالی قاتل در ترکه. به بیان دیگر ماده ۸۸۰ قانون مدنی در خصوص اینکه چه چیزی وارد در ترکه است و چه چیزی از آن خارج می‌باشد، سخن نمی‌راند؛ اینکه شخصیت بدهکار ديه و طلبکار ديه در یک شخص جمع شده است، ارتباطی به قواعد ارث ندارد. این امر مقدم بر اعمال مقررات ارث است و در بخش قواعد عمومی قراردادها و در بخش مالکیت مافی‌الذمه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در اینجا ذکر این نکته مفید است که در صورت وجود وارثانی غیر از راننده مقصر حادثه، سهم آنان طبق مقررات ارث قابل پرداخت است و عدم استحقاق مقصر حادثه از دریافت خسارت به دیگر وراثت تسری پیدا نمی‌کند.

۹. نتیجه گیری

با بررسی قوانین مرتبط با تصادفات رانندگی اعم از قانون بیمه شخص ثالث، قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی، در می‌یابیم که قصد قانون‌گذار در حفظ تعادل بین حمایت از زیان‌دیده و جلوگیری از گسترش خطرات با اعمال بینابینی نظریه تقصیر و خطر است.

اصل مسئولیت بیمه‌گر در پرداخت خسارت توأمان به حکم قانون و قرارداد و به تبع مسئولیت نوعی دارنده، جهت جبران خطرات ناشی از وسیله نقلیه است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج).

ولی میزان و حدود مسئولیت بیمه‌گر، صرف نظر از اینکه بیمه‌گذار وی چه کسی باشد، با حقوق و تعهدات راننده پیوند خورده است، زیرا حکم محکومیت نسبت به پرداخت دیه برای راننده صادر می‌شود. بنابراین می‌توان مسئله را در دو فرض مطرح ساخت؛ فرض اول آن است که راننده مقصر، بیمه‌گذار نیز هست و رابطه قراردادی با بیمه‌گر دارد. در این فرض با توجه به اینکه بیمه‌گذار در مقابل خود مسئول است، لذا به استناد مالکیت فی‌الذمه تعهد وی ساقط شده و بیمه‌گر نیز به تبع عدم مسئولیت بیمه‌گذار، مسئولیتی ندارد. حتی در این فرض می‌توان گفت که با توجه به ماهیت بیمه مسئولیت که خطر ناشی از مسئولیت مدنی بیمه‌گذار در قبال اشخاص ثالث را پوشش می‌دهد، ادعای جبران خسارت، خارج از پوشش بیمه‌نامه است.

در فرض دوم، راننده رابطه قراردادی با بیمه‌گر ندارد و بیمه‌گذار محسوب نمی‌شود. در ظاهر از آنجاکه در این فرض بیمه‌گر از جانب بیمه‌گذار خود پرداخت نمی‌کند، بنابراین نمی‌تواند به مالکیت مافی‌الذمه استناد نماید، زیرا اسقاط تعهد راننده در مقابل خودش، ارتباطی به وظیفه قانونی بیمه‌گر در قبال اشخاص ثالث ندارد. اما در این فرض نیز اگرچه مسئولیت بیمه‌گر، ناشی از خطر وسیله نقلیه و الزام قانونی است، ولی امکان مطالبه از وی منوط به بروز خطر موضوع قرارداد و تعیین میزان و حدود مسئولیت مقصر است، بنابراین زمانی که خود مقصر، تعهدی در پرداخت نداشته باشد؛ از دارنده نیز نمی‌تواند مطالبه کند، بیمه‌گر نیز تعهدی در پرداخت ندارد.

از طرفی استناد به ماده ۸۸۰ قانون مدنی توسط رانندگان مقصر جهت دریافت دیه مورث مقتول از بیمه‌گر، مورد نوعی پیش‌داوری است. زیرا پیش از آنکه مقصر، دیه را از ترکه طلبکار باشد، معادل آن را به ترکه بدهکار است. به بیان دیگر آنچه را که وی مدعی دریافت است، اصولاً به علت سقوط تعهد، وارد ماترک مورث وی نشده است تا مقصر بتواند از آن ارث ببرد.

بی‌شک این استدلال که فلسفه قانون بیمه شخص ثالث حمایت از زیان‌دیده ثالث است و چون دیه از طرف بیمه‌گر پرداخت می‌شود، بنابراین بدون توجه به اینکه مسبب

حادثه چه کسانی باشند و اعم از اینکه در حادثه زیانبار دخالت داشته باشند یا نه بیمه‌گر موظف به پرداخت است؛ درست نمی‌باشد. زیرا مقصر حادثه از نظر این قانون ثالث محسوب نمی‌شود. از طرفی هنگام تفسیر قوانین به‌ویژه قانون بیمه شخص ثالث نباید راه افراط را در پیش گرفت و جنبه حمایتی قانون را تا آنجا گسترش داد که هدف و موضوع قانون که حمایت از اشخاص ثالث است، تغییر پیدا کند و به مقصرین حوادث نیز سرایت پیدا کند. از نظر حقوقی نباید بدون وجود حکم قانونی صریح، تفسیری مخالف غرض قانون‌گذار ارائه داد و موجبات به هم ریختن قواعد و اصول شناخته‌شده مسئولیت قهری و قراردادی را فراهم آورد. باید توجه کرد که در این قانون، زیان‌دیده، شخص ثالثی است که دخالتی در حادثه نداشته باشد. درغیراین‌صورت نباید از فردی که حادثه زیانبار اجتماعی محصول سهل‌انگاری و بی‌مسئولیتی وی است، طرفداری نمود و بی‌جهت موجبات انتفاع او را از تقصیر خویش فراهم ساخت. لذا در پرداخت خسارت از محل بیمه شخص ثالث باید رویه معقول و منصفانه‌ای درپیش‌گرفت و نباید از ابزاری که قانون‌گذار برای جلوگیری از بروز مشکلات اجتماعی درنظرگرفته‌است، برای مقاصد غیر نظر مقنن استفاده نمود.

منابع

۱. امامی پور، م.، ۱۳۸۰. نگاهی به قانون بیمه شخص ثالث. فصلنامه صنعت بیمه، تابستان، صص ۵۶-۳۳.
۲. ایزانلو، م.، ۱۳۸۳. نظام جبران خسارت در بیمه مسئولیت مدنی. رساله دکتری، دانشگاه تهران، صص ۶-۱۵.
۳. بوشهری، ج.، ۱۳۸۳. حقوق جزا جبران خسارت، شرکت سهامی نشر، ج ۱، ص ۳۰.
۴. خدابخش شلمزاری، ع.، ۱۳۸۴. دعوای مستقیم و رجوع زیان دیده به بیمه گر. مجله پژوهش های حقوقی، پاییز و زمستان، صص ۲۰۲-۱۹۰.
۵. دعوای ع.م علیه شرکت سهامی بیمه ایران، ۱۳۹۰. شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان فارس، رأی شماره ۹۰۰۹۹۷۷۱۲۰۱۰۱۴۶۸ مورخ ۹۰/۱۲/۲۷.
۶. دعوای م.ک علیه شرکت بیمه ایران، ۱۳۹۰. شعبه ۱۹ دادگاه بدوی تهران رأی شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۷۹۰۱۳۲۴ مورخه ۹۰/۱۲/۲۲.
۷. کاتوزیان، ن.، ۱۳۷۶. قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۳، چ ۴، صص ۹-۳۷۸.
۸. کاتوزیان، ن.، ۱۳۷۹. نظریه عمومی تعهدات، انتشارات دادگستر، چ ۱، ص ۴۰۷.
۹. کاتوزیان، ن.، ۱۳۸۰. درس هایی از شفعه وصیت ارث، انتشارات دادگستر، چ ۲، صص ۱۱۰-۱۲.
۱۰. کاتوزیان، ن.، جنیدی، ل. و غمامی، م.، ۱۳۸۱. مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲، ص ۴۵.
۱۱. کاتوزیان، ن.، ۱۳۸۷ الف. مسئولیت مدنی، قواعد عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۸، صص ۹۰-۱۷۰.
۱۲. کاتوزیان، ن.، ۱۳۸۷ ب. مسئولیت مدنی، مسئولیت های خاص و مختلط، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۸، صص ۹۷-۱۰۸.
۱۳. کاتوزیان، ن.، ۱۳۸۷ ج. مسئولیت مدنی، بیمه مسئولیت، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، صص ۴۲-۷، ۲۵۸.

۱۴. لورراسا، م.، ۱۳۷۵. مسؤليت مدني، ترجمه محمد اشترى، تهران: نشر حقوقدان، چ ۱، ص ۴۰.
۱۵. محمدی، الف.، ۱۳۶۰. قتل از موانع ارث است. مجله حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ش ۲۲، صص ۱-۲۱۰.
۱۶. محمودصالحی، ج.ع.، ۱۳۷۲. حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، چ ۱، صص ۱۸۴-۴۶.
۱۷. محمود صالحی، ج.ع.، ۱۳۸۳. حقوق بیمه، تهران: انتشارات پژوهشکده بیمه، چ ۳، ص ۳۳۴.
۱۸. نوذری، ن.، ۱۳۸۸. خسارات بدنی و قواعد حاکم بر جبران خسارت در حقوق انگلستان. مجله حقوقی داور، پاییز و زمستان، صص ۲۸-۳۰۳.

